

## منبع شناسی شیعه

«من لا یحضره الفقیه»

(شیخ صدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (۳۸۱ هجری))

سید غلامعباس طاهرزاده

کادر علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

### مقدمه

قدرشناسی و احترام در حق مردان بزرگ تاریخ، به ویژه عالمان دینی و پرچمداران مکتب وحی، یعنی صاحبان خرد و اندیشه، و آثار ارزشمند آنها در یک جامعه، از یک سو جایگاه علمی و رفیع آن ملت را از فراموشی و انزوای نگاه می‌دارد و آنان را در منظر تاریخ و اهل پژوهش و عظمت می‌بخشد و از سوی دیگر برای افراد جامعه به خصوص قشر جوان، مایه تشویق و سربلندی می‌گردد. در این مقاله، به معرفی یکی از آثار با ارزش و ماندگار حدیثی و روایی شیعه یعنی کتاب شریف و ارزشمند «من لا یحضره الفقیه» تالیف عالم وارسته و فقیه بی‌بدیل شیخ صدوق (اعلی الله مقامه) می‌پردازیم که در میان کتب حدیث از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. بی‌گمان همه متفکران و صاحبان اندیشه بر این امر متفق‌اند که منابع حدیث شیعه نقش برجسته‌ای در نشر و گسترش فقه اهل بیت (ع) و معارف دینی دارد.

محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، مشهور به «شیخ صدوق»، مولف کتاب شریف من لا یحضره الفقیه در سال ۳۰۵ هجری قمری، در خاندان علم و تقوا، در شهر قم دیده به جهان گشود.

### زندگی نامه مولف

یکی از بزرگترین مرزبانان حماسه جاوید و خدمتگزاران مکتب اهل بیت (ع) و شاخص‌ترین دانشمندان جهان اسلام که عمر خود را در راه خدمت به فقه و حدیث شیعه و پاسداری از

فرهنگ اهل بیت (ع) مصروف داشته، ابوجعفر محمدبن علی بن بابویه قمی ملقب به « شیخ صدوق » است که در صف اول محدثین و عالمان عامل جای دارد و به عنوان یکی از ارکان فقه شیعه به شمار می‌رود.

آشنایی با زندگانی چنین شخصیتی که زحمات طاقت فرسا و خدمات بی وقفه‌اش، حیات معارف تشیع و احکام شریعت نبوی را بیمه کرد، می‌تواند برای مربیان و متولیان فرهنگ ما بویژه نسل جوان، آگاهی بخش، امیدآفرین و زندگی ساز باشد.

شیخ طوسی جریان ولادت وی را چنین نقل نموده است:

علی بن بابویه (پدر شیخ صدوق) با دختر عموی خود ازدواج کرده بود؛ ولی از او فرزندی به دنیا نیامد. او در نامه ای از حضور شیخ ابو القاسم، حسین بن روح تقاضا کرد تا از محضر حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه بخواهد برای او دعا کند تا خداوند اولاد صالح و فقیه به او عطا نماید. پس از گذشت مدتی از ناحیه آن حضرت این گونه جواب رسید: «تو از این همسرت صاحب فرزند نخواهی شد؛ ولی به زودی کنیزی دیلمیه نصیب تو می‌شود که از او دارای دو پسر فقیه خواهی گشت.»

## جایگاه علمی

شیخ صدوق از بزرگترین شخصیت‌های جهان اسلام و از برجسته‌ترین چهره‌های درخشان علم و فضیلت است. او بین سالهای ۳۶۸ تا ۳۸۱ ق، بعنوان مرجع عام شیعه شناخته می‌شد و زعامت شیعیان را عهده‌دار بود، این عالم بی بدیل در عصر خود خدمات ارزنده‌ای در تدوین فقه به جهان اسلام نمود که با هیچ چیز قابل قیاس نیست.

شیخ صدوق که نزدیک به عصر ائمه علیهم السلام زندگی می‌کرد، با جمع آوری روایات اهل بیت علیهم السلام و تالیف کتاب‌های نفیس و با ارزش، خدمات ارزنده و کم نظیری به اسلام و تشیع کرد. او در سن ۲۲ یا ۲۳ سالگی بود که پدر بزرگوارش دار فانی را وداع کرد. از آن پس وظیفه سنگین نشر احادیث آل محمد (علیهم السلام) و هدایت امت به عهده وی قرار گرفت و دوران جدیدی از زندگی او آغاز گردید.

## تالیفات

آثار و تالیفات فراوان و متنوع ایشان در علوم مختلف اسلامی، هر کدام گوهری تابناک و گنجینه‌ای پایان ناپذیر است که با گذشت بیش از یک‌هزار سال از تاریخ تالیف آن، به جای

فرسودگی و بی رونقی، هرروز برقدر و قیمت و ارزش و اعتبار آن افزوده می شود و به مرور زمان، جایگاهی بس رفیع و والا یافته است.

شیخ صدوق حدود ۳۰۰ اثر ارزشمند از خود بر جای نهاد که نام بسیاری از آنها را در کتاب من لا یحضره الفقیه خود آورده است. این رقم بزرگ بیانگر تلاش و کوشش شایان او در شکوفایی و گسترش فقه است.

در کتاب الفهرست شیخ طوسی ۴۰ کتاب و در رجال نجاشی ۱۸۹ کتاب از آثار آن عالم فرزانه ذکر شده است. که ما برای نمونه به ذکر مهمترین آنها می پردازیم:

۱. من لا یحضره الفقیه

۲. کمال الدین و اتمام النعمه

۳. کتاب امالی

۴. کتاب صفات شیعه

۵. کتاب عیون اخبار الرضا (ع)

۶. کتاب مصادقه الاخوان

۷. کتاب خصال

۸. کتاب علل الشرائع

۹. کتاب توحید

۱۰. کتاب اثبات ولایت علی (ع)

۱۱. کتاب معرفت

۱۲. کتاب مدینه العلم

۱۳. کتاب مقنع در فقه

۱۴. کتاب معانی الاخبار

### کتاب من لا یحضره الفقیه

شیخ صدوق در این کتاب، مجموعه روایات اهل بیت علیهم السلام درباره مسائل فقهی و احکام شرعی را که از دیدگاه خود صحیح و معتبر می دانسته جمع آوری نموده است.

این کتاب یکی از ارزشمندترین منابع روایی شیعه به شمار می آید و هر مجتهدی در اجتهاد و استنباط احکام شرعی باید به روایات آن توجه داشته باشد.

کتاب من لا یحضره الفقیه از زمان نگارش مورد توجه و استقبال علمای شیعه قرار گرفته است و پیوسته در مجموعه‌های بزرگ و کوچک روایی به آن استناد نموده و از آن روایت نقل کرده‌اند.

## دلیل نگارش

مؤلف این کتاب را به درخواست یکی از سادات بزرگوار شهر بلخ به نام شریف الدین ابو عبدالله محمد بن حسین معروف به نعمت نگاشته است.

او از شیخ صدوق درخواست کرده بود مانند کتاب «من لا یحضره الطبیب» محمد بن زکریای رازی در علم طب، او هم کتابی در علم فقه به نگارش درآورد تا مورد استفاده کسانی قرار گیرد که به علما و فقهای بزرگ دسترسی ندارند و با مراجعه به آن بتوانند به احکام شرعی و وظایف خود آگاه گردند. شیخ صدوق نیز با پذیرفتن این درخواست می‌نویسد من در این کتاب بنا ندارم تا هر چه روایت شده را نقل نمایم بلکه فقط آن روایاتی را نقل می‌کنم که آنها را صحیح و معتبر می‌دانم و به آن فتوا می‌دهم و عقیده دارم که میان من و خداوند حجت است.

شیخ صدوق در این کتاب فقط نام راوی اولی را که روایت را از امام (ع) روایت کرده آورده و در آخر کتاب یعنی در بخش «مشیخه» سند خود را به آن راوی نقل می‌کند تا روایات از حالت ارسال خارج شده و اصطلاحاً مسند شوند و استفاده از آن برای مراجعه کنندگان آسان‌تر گردد.

## سبک نگارش کتاب

در قرون اولیه اسلامی فقهای شیعه فقط به روایت و نقل سخنان ائمه علیهم السلام اکتفا می‌کردند و به خود اجازه گفتن سخنی در برابر و یا در کنار سخنان ائمه معصوم نمی‌دادند چرا که آنان را مرتبط با مرکز وحی و معدن حکمت می‌دانستند. آنان حتی اگر می‌خواستند کتابی غیر روایی به نگارش درآورند سعی می‌کردند تا از الفاظ روایات استفاده کنند و سخنی غیر از سخن اهل بیت عصمت و طهارت ننویسند.

شیخ صدوق از آخرین علمای این دوره به شمار می‌آید. در تألیفات ایشان همه کتاب روایت و یا گرفته شده از الفاظ روایات است، به حدی که برخی از علمای شیعه می‌گویند اگر درباره مسأله‌ای روایتی نیافتیم به الفاظ شیخ صدوق نیز می‌توانیم استناد کنیم چرا که الفاظ ایشان همه استفاده شده از الفاظ روایات است.

بعد از ایشان از زمان شاگردشان «شیخ مفید» کم کم این سبک تغییر کرد زیرا با تغییر نیازهای روز و هجوم شبهات و ایرادات مخالفان و دشمنان اسلام و ورود فلسفه غرب به جهان اسلام و عقاید و افکار انحرافی، علمای ما مجبور به پاسخ‌گویی شدند و در صدد حل آن شبهات برآمدند و شیوه‌ای نو در تألیفات علما و فقهای شیعه پدیدار گشت.

## مباحث کتاب

شیخ صدوق، در کتاب من لا یحضره الفقیه، تمام مسائل و مباحث فقه را ضمن نقل احادیثی که به نظرش صحیح بوده است فراهم آورده و در دسترس شیعیان گذارده است. این کتاب معروفترین و بزرگترین کتاب شیخ صدوق است که در دسترس است و بارها چاپ شده و دهها تن از فقهای بزرگ به شرح و ترجمه و حاشیه بر آن همت گماشته‌اند.

علامه سید بحر العلوم در توصیف کتاب «من لا یحضره الفقیه» چنین گفته است:

«این کتاب یکی از کتابهایی است که در شهرت و اعتبار به روشنایی روز می‌ماند.»

محدث نوری نیز درباره کتاب مذکور گفته است:

«بسیاری از علماء، احادیث موجود در کتاب «من لا یحضره الفقیه» را از چند نظر بر احادیث مذکور در سه کتاب دیگر از کتابهای چهارگانه ترجیح داده‌اند، چه آنان اعتقاد داشتند که شیخ صدوق احادیث بسیاری را حفظ بوده و آنها را نیک ضبط کرده و در روایت تامل روا داشته است و نیز کتاب خود را پس از کتاب «الکافی» تالیف نموده و صحت احادیثی را که در کتاب آورده، تضمین کرده است، و نه تنها مانند دیگر مؤلفان قصد گردآوری همه احادیث روایت شده را نداشته، بلکه به ثبت احادیثی پرداخته است که بدانها فتوا داده و بر صحت آنها حکم کرده است و با اعتقادی راسخ آنها را حجت میان خود و خدا می‌دانسته است.»

شیخ صدوق این کتاب را در چهار جلد تالیف نمود و محدث بحرانی احادیث مذکور را شماره کرده و مجموع آنها را ۵۹۶۳ حدیث دانسته است که از این تعداد ۳۹۱۳ حدیث مسند و ۲۰۵۰ حدیث مرسل می‌باشد.

این کتاب شامل مباحث فراوان فقهی است مانند:

۱. آبها و طهارت و نجاست آن
۲. واجبات نماز و مقدمات آن مانند وضو و غسل و تیمم
۳. احکام اموات

۴. احکام نماز

۵. احکام قضاوت

۶. مکاسب

۷. احکام ازدواج

۸. احکام ارث

و مباحث و عناوین گوناگون دیگر فقهی.

### حجم روایات کتاب

شیخ صدوق در این کتاب حدود ۶ هزار روایت نقل کرده است که عموماً در باره مباحث فقهی و احکام شرعی است.

یکی از بخشهای مهم این کتاب بخش مشیخه (راوی‌شناسی) است که در پایان کتاب آمده. شیخ صدوق در این بخش به اسناد خود به راویانی که روایات این کتاب را از آنها نقل کرده اشاره می‌کند و به این وسیله روایات فراوانی از احادیث کتاب را از حالت ارسال و بدون سند بودن خارج کرده و آنها را معتبر و مسند می‌سازد.

این بخش از کتاب بسیار مورد توجه علمای شیعه قرار گرفته و شرح‌های فراوانی نیز بر آن نگاشته‌اند که خود از منابع غنی و پر بار علم رجال به شمار می‌آید.

### شرح‌های کتاب

بر کتاب «من لا یحضره الفقیه» شرح‌های فراوانی نیز نگاشته شده است مانند:

۱. شرح من لا یحضره الفقیه به نام «روضۃ المتقین» نوشته مولی محمد تقی مجلسی پدر علامه مجلسی. وی این کتاب را در سال ۱۰۶۳ هجری به پایان رسانده است.

۲. شرح من لا یحضره الفقیه نوشته سید اجل امیر محمد صالح بن امیر عبد الواسع داماد علامه مجلسی (درگذشت ۱۱۱۶ هجری).

۳. شرح من لا یحضره الفقیه نوشته شیخ الاسلام والمسلمین شیخ بهایی، محمد بن حسین بن عبد الصمد حارثی همدانی (درگذشت ۱۰۳۰ هجری). شیخ حر عاملی از این شرح نقل می‌کند.

۴. شرح من لا یحضره الفقیه به نام «معاهد التنبیه» نوشته شیخ ابو جعفر محمد بن حسن بن زین الدین شهید ثانی (درگذشت ۱۰۳۰ هجری).